چرا با گذشت زمان و به‌وجود آمدن مدرنیته مردم به گشت‌وگذار در بازار تهران مشغولند

قدمت قیمت ندارد

فاطمه صفری | اگر سری به بازارها بزنیم هنوز که هنوز است قدیمی‌ترین «بازار تهران» جایی دنج برای رهگذران و مردمی است که برای خرید و حتی گاهی تفریح به بیرون از خانه می‌روند، رهگذرانی که با وجود پاساژهای لوکس و شیک راه خود را به سمت بازار تهران کج کرده و به آن‌جا می‌روند، بازاری که قدمت دیرینه‌اش به دوران سلطنت شاه تهماسب صفوی برمی‌گردد و تغییرات اساسی آن به زمان قاجار می‌رسد و یادگاری از دوران ناصرالدین شاه است که در میانه سلطنت پنجاه ساله‌اش شهرساز فرانسوی را مامور کرد که نقشه‌ای از «دارالخلافه ناصری» تهیه کند. ظاهرا، گرمای تابستان‌های تهران است که ساخت بازاری مسقف را ایجاب کرده و سرمایه‌داران و اشراف هم با وقف تیمچه‌ها و بازارچه‌ها بر رونق آن می‌افزایند، ناصرالدین شاه هم عمارتی بزرگ به سبک «پیرامیدهای فرنگ» برای تفریه و برگزاری مراسم رسمی در نزدیکی آن می‌سازد (تکیه دولت) و بزرگترین مسجد را چسبیده به آن برپا می‌کنند (مسجد امام) تا در نزدیکی کاخ‌های سلطنتی، شهری شکل گیرد. به همین علت جهانگردان و دیپلمات‌های خارجی مقیم تهران، از اواخر قرن نوزدهم، بازار مسقف این شهر را به‌عنوان دیدنی‌ترین نقطه پایتخت ایران توصیف کرده‌اند، بازاری که تجارت تمامی تولیدات داخلی و کالاهای وارداتی کشور بدان ختم می‌شد و صنایع کوچک در آن شکل می‌گرفته و هنوزکه‌هنوز است این رویه ادامه دارد. با ورود به این بازار همه رنگ‌ها را مشاهده می‌کنیم، انواع و اقسام زیورآلات، لوازم‌خانگی و حتی در کنار و گوشه بازار فرش‌فروشی‌هایی دیده می‌شود اما انگار با ورود به آنجا همه یک رنگ می‌شوند، رنگی از جنس شادی و لبخند به لب نظاره‌گر مغازه‌ها هستند. تاجران و کاسبان حاضر در آنجا یارای دل‌کندن از آن بازار را ندارند. شاید وسعت مغازه‌شان کم باشد و در جای دیگری بتوانند با هزینه یک‌ساله‌اش برای اجاره می‌پردازند، مغازه‌ای به مراتب بهتر داشته باشند اما نه خود تمایلی به‌جابه‌جایی دارند و نه مشتریان‌شان زیرا بیشتر کاسبان و حجره‌داران سال‌های سال است که حجره دارند و سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل به فروشندگی مشغولند شاید کمتر کسی را دیده باشید که این عرصه را راکد و اکنون درحال فعالیت در صنعت دیگری باشد. یکی از حجره‌داران همدلی بین‌شان را علت اصلی پابرجایی این بازار می‌دانست، اقتداری که یکی دو ساله نیست و اگر برای کسی مشکلی پیش آید رها نمی‌شود و ریش‌سفیدان علتند که به این شکل اقتدار خود را حفظ کرده است. بازاری که همچون گذشته رونق تجاری بازرگانی خود را حفظ کرده به طوری که سایر مراکز خرید و بازارها یارای رقابت با این بازار را ندارند. اما چرا هنوز با گذشت سالیان دراز این بازار نه‌تنها رونق خود را از دست نداده بلکه روزبه‌روز بر رونق آن افزوده می‌شود؟ آیا ریشه در قدمت و تاریخ دارد؟ یا دربرگیرنده موضوعی دیگر است که ما از آن بی‌خبریم؟

عکس: رشید اصفهانی/ شهروند

قدمت، اعتبار می‌آورد

موهایش سفید بود و صدای لرزانی داشت از روزگار نامرد می‌نالید از روزهای ورشکستگی و روزهایی که برای خودش پادشاهی می‌کرد، حاج احمد را می‌گویم یکی از قدیمی‌ترین حجره‌داران که قریب به‌نیم قرن است حجره‌داری را پیشه خود کرده است. او می‌گوید: «پنجاه سالی است که در بازار تهران حجره‌دار هستم. قبل از آن پدرم و پدربزرگم در اینجا مشغول به حجره‌داری بوده‌اند، چم‌وخم روزگار را چشیده‌ام اما این روزها من هم همچون این بازار فرسوده شده‌ام و یارای سپری کردن ساعات زیادی را در این بازار ندارم و نه می‌توانم از بازار دل بکنم و مانند بسیاری از دوستانم این مکان را ترک کنم اینجا، اینجا...» اشک در چشمانش حلقه می‌زند و تا جایی که می‌تواند جلوی بغضش را گرفت و گفت: «یادگار پدر است، یادگار روزهای کودکی و نوجوانی، روزهایی که عاشق سمیه خانوم شدم، من اینجا زندگی کردم‌ام و اکنون این حجره را به دست پسرم سپرده‌ام و از او خواسته‌ام به هیچ‌عنوان این حجره را نفروشد.» حاج‌علی صاحب حجره کناری وسط حرف‌های‌مان رسید اما دردل او خبر از دلگیری‌اش از روزگار داشت، او می‌گفت: «در ابتدا که حجره را باز کردم کاروکاسی رونق خوبی داشت، هرکسی که وارد بازار و مغازه می‌شد بی‌غل‌وغش خریداری می‌کرد. اما الان انگار بازار فقط وسیله‌ای برای تفریح شده است و مردم از سر ناچاری به اینجا می‌آیند تا تفریحی کرده باشند اما نمی‌دانند جز خسته کردن ما کار دیگری نمی‌کنند. ۱۰ سالی می‌شود که در بازار حجره‌دار هستم اما کاروکاسبی آنگونه که باید باشد مانند گذشته نیست، شاید هم من پرتوقع هستم.» از حاج احمد و حاج علی خداحافظی کردم و به سراغ پسر حاج‌احمد که اکنون مدیریت حجره را به دست گرفته، رفتم انگار سی سالی دارد، کمی عصبی به‌نظر می‌رسد همین‌طور که به گوشی همراهش ور می‌رود، سلام می‌کنم، او هم به اکراه پاسخ می‌دهد. از او می‌پرسم چرا شغل پدرش را ادامه داده، تنها پاسخی که داشت «پول توش هست» پول؟! «بله خانوم پول پول، کجای تهران به شلوغی بازار می‌شود؟ مگه نمی‌دونید اینجا قدیمی‌ترین بازار تهرانه؟» با ادبیات خاصی که دارد، می‌گوید: «شما برید از اونایی که اینجا مغازه اجاره کردن بپرسید، کم‌کم ماهی سه یا چهارمیلیون به بالا اجاره پیاده میشن ما که دیگه جای خود داریم، این سوالا چیه دیگه؟! اصلا برید از مشتریامون بپرسید چرا میان از ما خرید می‌کنن.» انگار تعجب را در چشمانم دیده باشد بدون هیچ سوالی گفت: «خانوم بعضی وقت‌ها مکان‌ها اعتبار مغازه‌ها هستند، اگر من جایی جز بازار تهران بودم نمی‌توانستم دخل و خرجم را با هم هماهنگ کنم، تجارت کار آسانی نیست، کار ما هم به نوعی تجارت محسوب می‌شود، یک روز سراسر سود و دیگر روز ضرر است و زبان اما خوشبختانه کمتر پیش آمده ضرر کنم شاید به اعتبار پدر و حجرماش است، شاید به اعتبار مشتریان ثابتی که داریم.»

باتوجه‌به‌اینکه‌بازار تهران درمناطق‌قدیمی‌تهران‌واقع شده‌که‌خطرات‌بسیاری این‌مکان‌رامورد‌تهدیدقرار می‌دهداماباتوجه‌به‌اینکه سرمایه‌گذاری‌دراین‌زمینه وجودندارد، باید‌درجهت کنترل‌ومدیریت‌پروتکل‌های ایمنی‌اقدام‌کرد

بازار بسته به نیاز مشتریان

مرضیه یکی از مشتریان قدیمی حاج احمد است. او می‌گوید: «دوستانم هر زمان مرکز خریدی را به عنوان پیشنهاد از من پرسیده‌اند من بازار تهران را پیشنهاد کردم. چراکه از شیر مرغ تا جون آمبزاد در این بازار وجود دارد اما فقط این نیست که مرا به سمت بازار تهران می‌کشاند بلکه معماری زیبایی که دارد هردفعه مرا بیش‌ازپیش مجذوب خود می‌کند. وقتی نیازهای مرا برطرف می‌کند چرا خودم را از این پاساژ به آن پاساژ بکشانم، ترافیک این روزها را ببینید! جنس‌های تقلبی کم نیست. به نظر من اینجا از هر جایی جنس تقلبی‌کمتر است.» حرف‌هایش پاک بیراه نبود. اما انگار در این میان تنها نام و قدمت بازار است که آن را از سایر مکان‌ها متمایز کرده است. اما بشنویم از زبان دیگر حجره‌داران در سایر بازارهای تهران علی از دوستان مهران که در مرکز خرید بوستان مغازه‌ای از خود دارد، می‌گوید: «اعتبار هم، چیز خوبی است. اگر اعتبار داشته باشیم و اجناس خوبی نداشته باشیم، کاروکاسبی‌مان رونق می‌گیرد، بهترین‌ها همیشه نصیب کاسبان قدیمی می‌شود، چرا که در بازارهای قدیمی صاحبنام شده‌اند. خودتان بگویید، قضاوت با شما.» جنس‌هایش را نشان می‌دهد و آدرس مغازه دیگری را در بازار تهران می‌دهد و می‌گوید: «هم دو، یک جنس دارد، ولی قیمت‌ها را مقایسه کنید، این قیمت کجا و قیمت آن کجا، تعداد مشتریان من کجا و مشتریان فلان مغازه کجا؟ تا زمانی‌که جنس‌ها در آف قرار نگیرد دخل‌وخرج با هم نمی‌خواند، حتی شده است که از جیب‌مان بگذاریم که سود نداشته‌ایم اما چه کسی باورمان می‌کند.» حرف‌های مهران برای من چندان دور از ذهن نبود چرا که بسیار دیده‌ام به هنگام خرید در مرکزهای خرید چانه‌زنی می‌کنند درحالی‌که در بازار تهران کمتر دیده می‌شود شاید هم این موضوع نشأت گرفته از بافت قدیمی و فضای سنتی حاکم بر آنجاست.

مقاومت در برابر نوسازی

از بازارهای قدیمی تهران اگر بخواهیم به صورت دسته‌بندی شده نیم‌نگاهی به بازارهای تهران داشته باشیم علاءالدین، بازار بورس و بازار است که روزبه‌روز دستخوش تغییر و تحولاتی قرار گرفته با نگاهی به تاریخ متوجه پیشینه طولانی بازارها می‌شویم. بازار که جای خود دارد، روزگاری مکانی برای رویدادهای سیاسی تجمع‌هاو... بوده است اما به مرور زمان دستخوش تغییراتی قرار گرفت برای مثال در سال ۱۳۵۴ که درآمد حاصل از نفت چهره تهران و شهرهای کشور را تغییر داده بود، باعث شد با توجه به احاطه کامل حکومت به بازار و شاخه‌های آن، شهردار وقت تهران ماموریت یافت تا کاری را که در سال‌های گذشته آغاز شده بود، به انجام برساند. طرح جامع شهرداری در آن زمان‌دادن نظم به بازار و انتقال کارگاه‌های مزاحم و آلوده‌کننده از آن بود که با ممنوعیت صدور مجوز ساخت و تعمیر در محوطه بازار آغاز شد. غلامحسین کرباسچی طرح‌های وسیع بازسازی تهران را آغاز کرد که ازجمله طرح‌های پراهمیت آن تغییر شکل و کاربری بازار و میدان‌های بار تهران بود، این هر دو عمل وی با مقاومت شدید بازاری‌ها و میدانی‌های سابق روبه‌رو شد. اما باید توجه داشت که مبادا در قدیمی‌ترین بازار حادثه‌ای چون «پلاسکو» به وقوع بپیوندد، به همین جهت در این راستا به گفت‌وگو با چند تن از کارشناسان و متخصصان در این‌حوزه نشسته‌ایم.

جذب مردم به بازار با معماری خاص

محمد عامریان | کارشناس شهری

مسیر جامعه شهری ایرانی که از زمان شاهان قاجار وجود داشته متاثر از ارتباط جامعه ایرانی با مغرب زمین است، به همین جهت روشنفکر ایرانی با این سوال مواجه شد که چه باید کرد تا امروز که شکل زندگی فرنگی بر اکثر شئون زندگی شهری‌مان سایه افکنده است، کمتر دیده شود. با این همه در بی‌حاشیه راندشدن اکثر بالاتفاق آنچه از گذشته مانده بود و با برچسب کهنگی مرجوعی می‌خورد، بازار قدیمی تهران یک استثناست. آمارهای شهرداری تهران می‌گوید در برخی از روزهای سال جمعیت حاضر در طول روز در این قسمت به بیش از دو میلیون نفر می‌رسد. ریشه این همه اعتنا و توجه کجاست اما در کدام خاک است. نخستین مسأله که عامل باندگی هر روزه این فضا شده است وجود ارزش‌های غیرتجاری در یک عرصه کاملا تجاری است. در آنجا چه می‌بینید؟ ساختمان رادیو تهران، کاخ گلستان، میادین ارگ و سبزه میدان و... اگر خرید را یک فعالیت ضروری بدانیم باید ادعا کنیم هر شهروند پس از مراجعه به بازار تهران و پس از محاصره‌شدن توسط فضایی باارزش‌های رنگارنگ تاریخی، فرهنگی و اجتماعی به ناگاه خود را مشغول انجام فعالیتی انتخابی می‌بیند، زیرا این فضا با معماری خاص خود و تنوع عملکردی که دارد در کنار قطارهای تزئینی، خود تجربه تهران قدیم را بسان توری تفریحی برای فرد فراهم می‌آورد. توری که از واقعیت‌های دوداًلود فروریزنده تهران سرنشینانش را تامراسمات بادمانی میدان ارگ و تعزیه‌خوانی‌های سبزه‌میدان پیش می‌برد. بازار تهران به‌عنوان عرصه‌ای تجاری گره خوردگی خاصی با آیین و سیاست دارد. چه در عصر قاجار و چه در دوره پهلوی بسیاری از حرکات و جنبش‌های اعتراضی از همین فضا آغاز شد. جنبش‌هایی که بازار و اهالی آن را گروهی نه صرفا اقتصادی که دارای دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی تعریف کرد. همین امر فضای کالبدی بازار را نیز از یک جسم سخت تجاری (ماهیت اکثر پاساژها و بازارهای مدرن امروز کشورمان) به یک عنصر سیال چند ارزشی تبدیل کرده است. در واقع عرصه بازار نه‌فقط یک فضای تجاری که پایگاهی برای حراست از ارزش‌های فراموش‌شده تهران قدیم است. تهران قدیمی که بیش از میادین و خیابان‌های واقعی شهر، سراغش را باید پای صحبت دوستداران کهنسالش در ایستگاه‌های تاکسی و صفوف نانوایی گرفت. این تهران رو به زوال و فراموشی که یا در سکوت خبری دفن می‌شود یا در انفجار خبری فرو می‌ریزد، در قلب خود همچنان فضایی را دارد که تعلق خاطر شهروندان به آن نشانگر وجود عرصه‌ای با کارکرد فراتر از خرید است. جایی برای تجربه خاطرات گذشته و نوعی از زندگانی که بسان ژنی مجهول در شریان هر تهرانی اصیل درحال گردش است.

عکس: شهروند

به‌عقیده بنده مزایای پیاده‌مداری در شهر بسیار گفته شده و گفتن از آن اطاله کلام است. اما پیاده‌مدار ساختن عرصه ۱۵ خرداد که بازار تهران نیز بخشی از آن است به خوبی توانسته است یک عرصه دموکراتیک شهری را فراهم آورد. خیابان دموکراتیک جایی است که شهروندان فرصت برقراری ارتباط با پیشینه عرصه را در اختیار دارند، امکان برقراری باجداره و حرکت از بخش‌های مختلف عرصه به بخش‌های دیگر فراهم است، کنترل فعالیتی و حرکتی وجود ندارد، فضا تک ارزشی نیست و فردمی‌تواند به دور از هر گونه محدودیتی به تجربه زندگی شهری بپردازد. بدین اعتبار فضای ۱۵ خرداد توانسته است یک عرصه دموکراتیک را برای مصرف کنندگان خود فراهم بیاورد. این عرصه نه فقط به واسطه پیاده‌مدار بودن که به علت وجود چیزی برای دیدن، جایی برای نشستن، فعالیتی برای انجام دادن از درجه عمومیت بالایی برخوردار است، مسئله‌ای که در بسیاری از دیگر فضاهای پیاده شهری مشاهده نمی‌شود و از این رو این فضاها به عرصه‌هایی برای گذر و نه فضاهایی برای ماندن تبدیل شده‌اند. با این‌همه بازار تهران به واسطه قدمت و ساختار کالبدی سنتی و حجم بالای مراجعان روزانه خود عرصه‌ای در معرض خطر است که نیازمند سازماندهی جدی از جانب مسئولان است. بی‌شک باتوجه‌به ساختار از گانیک شبکه معابر موجود در منطقه ۱۲ و مشخصا عرصه ۱۵ خرداد و مراجعان میلیونی این فضا در طول روز، در صورت رخداد واقعی شبیه به فروپاشی ساختمان پلاسکو هم‌مقیاس خسارت عظیم‌تر خواهد بود و هم‌فرآیند امداد دشوارتر، از این رو شایسته است مدیریت کلانشهر تهران علاج واقعه قبل از وقوع آن کند و نسخه‌ای بپیچد که خاک خوش‌رنگ این آخرین خاطرات ماز تهران قدیم نیز چراگاه جرثقیل نباشد.

بازار تهران نیاز به ایمن‌سازی دارد

محسن پیرهادی | عضو شورای شهر تهران

بازار تهران یکی از قدیمی‌ترین مناطق تهران است که دارای بافت فرسوده‌ای است و جابه‌جایی آن یکی از دشواری‌هایی است که ما درحال حاضر با آن مواجه هستیم و عده‌ای از مشکلات را با خود دارد، زیرا ارزش افزوده و سرمایه‌ای که در بازار وجود دارد، همچنین حق کسبه‌ای که انباشت شده در این سال‌ها سرمایه سنگینی برای صاحبان سرمایه و کار است. به‌همین جهت تصمیم جابه‌جایی بازار تهران پیچیده و خاص است.

اگر بخواهیم عوامل اصلی آن را برشمریم بسیار است اما علت اصلی این مقوله ارزش بالای مغازه‌های بازار و عدم توانایی خریداری همه مغازه‌هاست زیرا هیچ ارگانی به اندازه کافی برای سرمایه‌گذاری در این راستا سرمایه ندارد، برای مثال یک مغازه در بازارمی‌تواند قیمتی بالغ بر یک‌میلیارد تومان را دربرمی‌گیرد، از دیگر سو باید در نظر داشت که راضی‌کردن کاسبان و مغازه‌داران خود مقوله‌ای جداگانه است زیرا هیچ‌یک راضی به واگذاری مغازه‌های‌شان نمی‌شوند.

همچنین بحث‌های میراثی و تاریخی نیز مورد توجه است که با جابه‌جایی بازار ایجاد سوال می‌کند، که باوجود یک اثر میراثی چرا باید بازار تهران را جابه‌جا کنیم. در اینجا ممکن است برای بسیاری این سوال پیش بیاید که جابه‌جایی بازار تهران چه لزومی دارد؟ همان‌طور که می‌دانید بازار تهران در مناطق قدیمی تهران واقع شده که خطرات بسیاری این مکان را مورد تهدید قرار می‌دهد اما با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری در این زمینه وجود ندارد، ما باید درجهت کنترل و مدیریت پروتکل‌های ایمنی اقدام کنیم و می‌توان این وضع موجود را اصلاح کرد تا بازار ایمن شود و از استانداردها برخوردار باشد که در پیشبرد این امر نیازمند همکاری کاسبان هم هستیم زیرا اگر آنها از همکاری در این زمینه سرباز بزنند برای ما امکان فعالیت وجود ندارد. به همین جهت تا انگیزه‌ای از سوی کاسبان وجود نداشته باشد کاری از پیش نمی‌رود.

همچنین باید دانست جمعی از کاسبان باید به این موضوع ورود پیدا کرده و برای ایمن‌سازی هزینه کنند. مشکلی که در این میان وجود دارد صاحبان کار، سرمایه و حتی مردم عامه برای ایمن‌سازی خود هزینه نمی‌کنند. شاید بپرسید تاکنون شهرداری فکر جابه‌جایی بازار بوده یا نه در اینجا باید گفت خیر، به دلایل مشکلات پیش‌رو شهرداری در این مورد تاکنون اقدامی انجام نداده است. همچنین باید دانست برای جابه جایی بازار نیاز به یک طرح مصوبی است که در برنامه ۵ساله ما موضوعی دل برجابه‌جایی بازار وجود ندارد و اگر بخواهیم در این زمینه اقدام کنیم، نیاز به هزاران هزار میلیارد تومان هزینه است.

بهتر است بگوییم تجمیع هزینه چندین بخش دیگر، هزینه خرید واحدهای داخلی هم نمی‌شود. به همین جهت با توجه به شرایط پیش‌رو باید گفت تنها راه ما ایمن‌سازی است که ابتدا باید شرایط و نواقص را سنجید و در راستای ایمن‌سازی آن اقدام کرد.

ساختمان‌هایی نظیر «پلاسکو» در تهران کم نیستند از جمله بازار تهران و همین پلاسکو باید درس عبرتی برای سایرین باشد و با توجه به این که شرایط جابه‌جایی وجود ندارد و شاید کاسبان علت اصلی این امر باشند باید ایمن‌سازی‌های لازم انجام شود تا مبادا این اتفاق ناخوشایند دوباره به وقوع بپیوندد.

البته باید دانست اقداماتی در این جهت در بازار تهران انجام شده است اما نباید صرفا به آنها اکتفا کرد و نیاز به اصلاحات بیشتری دارد که باید در این زمینه اعمال قانون صورت بگیرد. همچنین استفاده از عوارض شهری که حق مردم است برای ایمن‌سازی عده‌ای از کاسبان امری پسندیده نیست و حتی چنین اختیار و اجازه‌ای هم ندارم، به همین جهت باید صاحبان ملک برای بالابردن ایمنی خود و مشتریان‌شان در این زمینه اقدام کنند.